

دیباچه
Initiation

دکتر شفیع کدکنی

ترجمه دکتر بهرام مقدادی

Tell me sincerely—confess—

Have you ever recited your naked and dense solitude

To the wind at midnight,

Like a tree in a night of rain,

Beneath the sky,

Have your lips ever expressed,

Like leaves conversing with the wind,

Your heart's beating?

O you who are melancholic and deservedly so,

In your pensive and enveloped solitude—

Behold the brook! How melodiously

It describes existence and youth

and being and singing.

مثل درخت در شب باران به اعتراف

با من بگو، بگوی صمیمانه هیچگاه

تنهایی برهنه و انبوه خویش را

یک شب صریح سرودی به گوش باد

در زیر آسمان

هرگز لب تپیدن دل را

- چون برگ در محاوره باد-

بوده است ترجمان!

ای آنکه غمگنی و سزاواری

در انزوای پرده و پندار

جویبار را بین که چه موزون

با نغمه و تغنی شادش

از هستی و جوانی

وز بودن و سرودن

تصویر می دهد.

Behold the sweetbriar,

Leaning against the low walls

Beyond the willows and the sycamores.

Inhale the aroma of spring mornings!

Better yet, with me

Surrender yourself to cloud and wind,

Like a tree in a night of rain

بنگر به نسترن‌ها

بر شاخه‌های کوتاه دیوار

زان سوی بیدها و چناران

آنک شمیم صبح بهاران

بهر همان که با من

خود را به ابر و باد سپاری

مثل درخت در شب باران

برگرفته از مجموعه مثل درخت در شب باران

تهران ۱۳۴۵